

**Media Literacy Policy Analysis of Education Transformation
Documents of the Islamic Republic of Iran**

Masoumeh Samadi¹

**Received: 11/10/2021
Accepted: 16/09/2021**

Abstract

The purpose of this study is to analyze media literacy policy in educational transformation documents. The research method is qualitative from documentary-analytical type. The research community of documents related to media literacy policy is the theoretical foundations of the document of fundamental change in education(2011) and the document of fundamental)change in education(2011). The unit for analyzing document propositions is about media literacy policy. These propositions were purposefully selected and continuously analyzed and interpreted simultaneously with the data collection process. Findings indicate that there are inconsistencies between the two documents in media literacy policy. However, both documents address some of the individual and environmental dimensions of media literacy policy. Among the components considered in the individual dimension, attention to the cognitive component is low attention to the technical factor and inattention to the communication factor. Among the components considered in the contextual or environmental dimension, attention to determining media literacy policies, media industry platform, balanced formation of media industry, information society civil society, media literacy system design and media content production in Both documents. The experience of e-learning during the Corona era in the educational system of the Islamic Republic showed that despite serious steps taken at the level of media literacy policy, but in implementing the above policies, the education system is just beginning.

Keywords :Policy Analysis, Media Literacy, Transformation Documents, Education.

1. Associate Professor, Department of Islamic Education, Institute of Education, Institute of Education Studies (Samadi@ire.ac.ir).

تحلیل گزاره‌های سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای در اسناد تحولی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

معصومه صمدی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

چکیده

هدف از این پژوهش تحلیل گزاره‌های سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای در اسناد تحولی آموزش و پرورش است. روش پژوهش کیفی از نوع اسنادی-تحلیلی است. جامعه تحقیق اسناد مربوط به سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای، مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) است. واحد تحلیل گزاره‌های اسناد پیرامون سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای بر مبنای مدل (EC) سیاست‌گذاری رسانه‌ای است که این گزاره‌ها به‌طور هدفمند انتخاب و هم‌زمان با فرایند جمع‌آوری داده‌ها، به‌طور مداوم مورد تجزیه و تحلیل و تفسیر قرار گرفتند. یافته‌ها حاکی از این است که در هر دو سند به برخی از ابعاد فردی و محیطی سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای پرداخته‌اند. از مؤلفه‌های مورد توجه در بعد فردی، توجه به مؤلفه شناختی، کم‌توجهی به عامل تکنیکی و بی‌توجهی به عامل ارتباطی است. از مؤلفه‌های مورد توجه در بعد زمینه‌ای یا محیطی توجه به تعیین سیاست‌های سواد رسانه‌ای، بسترسازی صنایع رسانه‌ای، شکل‌دهی متوازن صنایع رسانه‌ای، بسترسازی جامعه مدنی اطلاعاتی، طراحی نظام سواد رسانه‌ای، طراحی نظام آموزشی و تولید محتوای رسانه‌ای است که با شدت و ضعف‌هایی در هر دو سند مورد توجه قرار گرفته است. تجربه آموزش مجازی در دوران کرونا در نظام آموزشی جمهوری اسلامی نشان داد که در اسناد تحولی آموزش و پرورش گام‌های جدی برداشته شده است.

واژگان کلیدی: تحلیل سیاست‌گذاری، سواد رسانه‌ای، اسناد تحولی، آموزش و پرورش.

*دانشیار گروه تعلیم و تربیت اسلامی پژوهشکده تعلیم و تربیت پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش
(Samadi@ire.ac.ir).

مقدمه

یکی از چالش‌های کنونی جامعه ما که به امری اجتماعی تبدیل شده و حتی سبک زندگی را نیز دستخوش تحول کرده، بیماری فراگیر و تأثیرگذار کرونا یا کووید ۱۹ است. کووید ۱۹ گسترده‌ترین بیماری همه‌گیر جهانی است که یک بحران با تهدید عمده برای زندگی و سلامتی انسان ایجاد کرده است. این بحران در هفته‌های آغازین اسفندماه سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۹ در کشور آغاز و نگرانی‌هایی را رقم زد و نظام اجتماعی را درگیر نمود.

ویروس کرونا^۱ (کووید ۱۹) خانواده بزرگ از ویروس‌ها هستند که عفونت تنفسی را موجب می‌شوند. شیوع ویروس از دسامبر (۲۰۱۹) در یوهان چین آغاز شد که دارای شیوع و گسترش بالایی است. ویروس کرونا به صورت غافلگیرانه با سرعت زیاد ظاهر شد و مجال پاسخگویی به موقع را به هیچ‌کس نداد. سرعت انتشار این ویروس به حدی زیاد و بی‌سابقه بود که تجربه‌های گذشته سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان برای مدیریت آنها چندان مفید فایده واقع نشد. بحران کرونا ویژگی‌هایی داشت که عبارت بود از: ناگهانی و بدون انتظار ظاهر شد، تجربه اندکی در مورد آنها وجود داشت، عکس‌العمل مناسب، در مقابل آن وجود نداشت و ناشناخته بودن آن به حدی بود که نظام‌ها و روش‌های جاری کفایت لازم جهت اقدام بهینه با آن را نداشتند.

بر اساس گزارش‌های حاصل از یونسکو^۲، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و سازمان بهداشت جهانی^۳ (۲۰۲۰) ویروس کرونا حوزه‌های مختلف از جمله سلامت، آموزش، اقتصاد، تجارت، فرهنگ و ... را تحت تأثیر قرار داده است. تأثیر این ویروس بر حوزه آموزش به گونه‌ای است که نظام‌های آموزشی را به تکاپو در عرصه‌های چندگانه آموزش، پژوهش و فناوری واداشت تا با استفاده از امکانات خود مسیرهای تازه را برای اجتناب از هر نوع اختلال تدبیر نمایند. از این رو به دلیل شیوع بالای این ویروس است که مبتلایان نمی‌دانند که چگونه و کجا آلوده شده‌اند (جرنیگان، لو و هلفاند، ۲۰۲۰).

1. Coronavirus

2. UNESCO: //available at:<http://covid19/education-rsponse>.

3. The world Health Organization (WHO).Coronavirus (COVID_19). Retrieved in 13 April, 2020, 10-30 Am, from WHO. Availabl at: <http://who.sprinkler.comoecd.org/coronavirus/en/>.

4. Jernigan, Low Hlfand

شیوع و همه‌گیری جهانی ویروس جدید کرونا (کووید ۱۹) به‌عنوان یک بیماری همه‌گیرانه، یکی از بحرانی‌ترین شرایط را پیش روی نظام ارائه خدمات آموزش قرار داد. دشواری مدیریت این بحران به‌ویژه با شرایط خاص کشور ایران و ناشناخته بودن بیماری و نبود تجارب کافی، عرصه را برای خلاقیت و نوآوری‌های مختلف فراهم نمود.

شیوع ویروس کرونا در مقیاس جهانی نظام‌های سیاسی و اجتماعی و "نظام‌های آموزشی" که نقطه تمرکز این مطالعه است را با بحران مواجه نمود. بحران به‌نوعی از آشفتگی و پریشانی در عناصر یک ساختار یا نظام که سازوکارهای نظم‌بخشی آن خارج از خود نظام است، اطلاق می‌شود (بشیر و چابکی، ۱۳۹۳). بحران‌ها دسته‌ای از حوادث و وقایع هستند که به‌سرعت حاد می‌شوند و تعادل نیروها را در نظام کلی بیش‌ازحد متعارف، بر هم می‌زنند و شانس و امکان تشدید تخاصم در نظام را افزایش می‌دهند. بحران‌ها غیرمنتظره بوده و فاقد طرحی برای مقابله می‌باشند. به اعتقاد پرو (۱۹۸۴) بحران دارای ابعادی است. این ابعاد عبارت است از اختلال در جریان عادی زندگی، به همراه داشتن خسارت مادی و معنوی و نیاز به تصمیمات فوری است (روزنتال و کوزمین، ۱۹۹۶).

نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران نیز جهت واکنش بهینه در برابر این بحران یعنی ایستادگی در برابر تعطیلی مدارس به استفاده از متوسل شد تا اعلام نماید که "آموزش تعطیل نیست". ازجمله این ابزارها، رو آوردن به "آموزش مجازی" بود. ازاین‌رو با تعطیلی مدارس، وزارت آموزش و پرورش جهت ادامه و تسهیل فرایند "یاددهی و یادگیری" در شرایط بحرانی شیوع ویروس کرونا باتدبیر و چاره‌اندیشی به‌موقع شبکه آموزشی شاد راه‌اندازی کرد. شاد از اپلیکیشن‌های تعاملی است که توسط تیم فنی همراه اول برای وزارت آموزش و پرورش پیاده‌سازی شده است (بیرقی فرد و همکاران، ۱۳۹۹). شاد درواقع طرحی احیاشده از برنامه روبیکا است؛ که در سال ۱۳۹۴ توسط وزارت آموزش و پرورش مطرح شد و در سال ۱۳۹۵ خبر از راه‌اندازی آن شد. در آن زمان قرار بود شبکه شاد مختص دانش‌آموزان نخبه یا دانش‌آموزان قرآنی ممتاز باشد و

خبری از وجود یا پیام‌رسان تعاملی بین دانش‌آموز و معلم به میان نیامد. در هر حال در روزهای پایانی سال ۱۳۹۶ اعلام شد که طرح شاد منتفی و با طرحی جدید به نام سینا جایگزین شده است. طرح سینا (۱۳۹۷) در اصل یک شبکه تعاملی بر بستر روبیکا بود پس از چند ماه به فراموشی سپرده شد. در پی شیوع ویروس کرونا و تعطیلی مدارس و باتوجه به ممنوعیت استفاده مدارس از پیام‌رسان‌های خارجی در امر آموزش به دانش‌آموزان، طرح شاد دوباره مطرح شد در نهایت اواخر فروردین ۱۳۹۹ شبکه شاد برای آموزش مجازی به دانش‌آموزان راه‌اندازی شد (<http://fa.wikipedia.org>). از اول اردیبهشت ۱۳۹۹ به‌طور رسمی آموزش به دانش‌آموزان مقطع ابتدایی از طریق شاد آغاز شد. اکنون امکان تحصیل دوره ابتدایی و متوسطه اول و دوم و دانشگاه‌ها و دانش‌آویان و پیش‌دبستانی‌ها فراهم شده است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۹).

لازمه موفقیت نظام آموزشی در آموزش مجازی، برخورداری کاربران از سواد رسانه‌ای است که پیش‌نیاز برخورداری کاربران از سواد رسانه‌ای سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای است. در نظام آموزش و پرورش، سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای در اسناد تحولی صورت گرفته است. این اسناد تحولی عبارت‌اند از: مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) است که با الهام از اسناد بالادستی، و باتوجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ تدوین شده است و به‌منزله "قانون اساسی وزارت آموزش و پرورش" محسوب می‌شود.

مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش خود متشکل از سه سند یعنی فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران و رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) متشکل از ۸ فصل: فصل اول (کلیات)، فصل دوم (بیانیه ارزش‌ها)، فصل سوم (بیانیه مأموریت)، فصل چهارم (چشم‌انداز)، فصل پنجم (هدف‌های کلان)، فصل ششم (راهبردهای کلان)، فصل هفتم (هدف‌های عملیاتی و راهکارها)، فصل هشتم (چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش) است.

سؤالی که اینک مطرح است این است که امروزه با توجه به پدیده کرونا و محوریت آموزش مجازی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی و پیش‌نیاز بودن سواد رسانه‌ای در موفقیت در برخورد با آموزش‌های مجازی سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای در این اسناد چگونه است؟

بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این بخش به مبانی نظری مؤلفه‌های کلیدی پژوهش پرداخته شده است. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای و مدل EC سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای است که به‌طور اختصار به آن پرداخته شده است.

سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای دربرگیرنده خط‌مشی رسانه‌ای است. خط‌مشی رسانه‌ای را می‌توان زیرمجموعه‌ای از خط‌مشی بزرگتر ارتباطی در نظر گرفت (روشندل اربطائی، ۱۳۹۴). سیاست‌گذاری رسانه‌ای مجموعه‌ای از اصول و هنجارهای تدوین‌شده در یک جامعه است که برای هدایت رفتار سیستم‌های ارتباطات جمعی (از خلال رسانه‌ها به کار می‌روند. این اصول و هنجارها در ساختارهای تصمیم‌گیر در حوزه رسانه‌ها و فرهنگ تهیه و تنظیم می‌شوند و برای اجرا به بخش‌های گوناگون سیستم اجرایی ابلاغ می‌شوند (خواجه‌ئیان، ۱۳۹۰). سیاست‌گذاری متفاوت از برنامه‌ریزی است. در سیاست‌گذاری اهداف کلی و عمومی معمولاً مسیر فعالیت‌های کشور تعیین می‌کنند، درحالی‌که در برنامه‌ریزی برای سیاست‌ها و اهداف کلی، اهداف مشخص و قابل اندازه‌گیری در مدت زمان معین تعیین می‌شود. پس باید قبل از ترسیم سیاست‌های آموزشی از اهداف کلی و سیاست‌های توسعه کشور مطلع بود (پاتر، ۲۰۱۳، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۱ (۲۰۱۱)، مؤسسه افکام (۲۰۰۸)، کمیسیون اروپا (۲۰۱۱) یونسکو (۲۰۱۱)، رابوی و پاددوانی^۲، ۲۰۱۰، لانست^۳، ۲۰۲۰).

-
1. OECD
 2. Raboy & Padovani
 3. Lanset

سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای یک عنصر اولیه در شکل‌دهی به مسیر رسانه‌هاست. والیس و باکینگهام^۱ (۲۰۱۳) و وندروود^۲ (۲۰۱۰) یادآور شد که هر دولت دارای یک نوع سیاست‌گذاری برای رسانه‌ها است. گاهی سیاست‌گذاری‌ها پیش از آن که به‌طور صریح در قالب یک مجموعه هماهنگ منعکس شده باشد، غیرصریح و پراکنده است. این نوع نگاه بنیادی شامل طیف وسیعی از ابزار و اهداف است؛ اما برانگیزاننده اقدامات عملی محدودی است. سیاست‌گذاری رسانه‌ای می‌تواند بسیار کلی باشد و تنها به اهداف و اصول بپردازد یا آن‌که معرف جزئیات بوده و جنبه الزامی داشته باشد. از این‌رو هرگونه سیاست‌گذاری در رسانه باید با توجه به فضای سیاسی در جامعه تدوین شود (لبافی، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۲). هدف تحلیل‌های سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای دستیابی به بیشترین میزان کارایی برای سیستم است (تسلیمی، ۱۳۹۲). اما این هدف الزاماً هم‌معنای با پیدا کردن کامل‌ترین روش برای حل مسئله نیست، بلکه تلاشی ناظر به موانع، کاستی‌ها و سدهای واقعی بر سر حل مسئله (چه راه‌حل‌های نظری و چه راه‌حل‌های عینی)، پیشنهادهای سیاست‌گذارانه برای ارائه به متولیان پیشبرد سواد رسانه‌ای در ایران است، به‌نحوی که بهترین سیاست‌ها با بیشترین کارایی و بهینه‌ترین برآیندها به مرحله اجرا درآیند. سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای یکی از راه‌های مؤثر در ارتقا سیاست‌های سواد رسانه‌ای است. نگاهی به اسناد بالادستی نشان می‌دهد که ارتقای سواد رسانه‌ای در بطن مأموریت‌ها و وظایف این سازمان‌ها قرار دارد (خواجه‌ئیان، ۱۳۹۰). به‌عنوان مثال در اسناد تحولی مکرر به ارتقای سطح آگاهی دانش‌آموزان در برابر تهاجم فرهنگی از طریق رسانه‌های رقیب، آشناسازی کودکان از مضرات استفاده از بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها، محصولات رسانه‌ای نامطلوب، تقویت تفکر و اندیشه مخاطبان اشاره شده است. عدم وجود سیستم‌های مشخص و مدون در حوزه سواد رسانه سبب شده است برنامه‌های نامنسجمی اجرا شود. از این‌روست که مسئولیت این نهادها در پرداختن به سواد رسانه‌ای دوچندان می‌شود. چارچوب سیاست‌گذاری رسانه از سه رکن مهم تشکیل شده است که بازیگران اصلی رسانه باید در این سه حیطه به سیاست‌گذاری بپردازند. این ارکان

1. Wallis & Buckingham
2. Vandervord

عبارت‌اند از: زیرساخت‌ها، محتوا و فرایندهای توزیع. از این رو سیاست‌گذاری رسانه‌ای اصول، هنجارها و راهبردهای کلی است که بر هدایت کلان رسانه‌ها در نیل به اهداف مشخص یک نظام حاکم است. سیاست‌گذاری رسانه‌ای هم روش و هم ابزار وصول و هم راهبرد را شامل می‌شود.

مدل تحلیل سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای

کمیسیون اروپا^۱ (۲۰۱۱) به کشورها توانایی ارزیابی سطوح سواد مخاطبان را می‌دهد و آنها را قادر می‌سازد به تدوین برنامه برای توسعه پردازند. مدل EC جامع‌ترین مدل تحلیل سیاست‌گذاری رسانه‌ای است. این مدل چهار مؤلفه "دسترسی"، "استفاده"، "درک انتقادی" و "تولید ارتباطی" را در حوزه سواد رسانه‌ای مورد توجه قرار می‌دهد. این مدل چهارچوب مناسبی برای سیاست‌گذاری، تحلیل سیاست‌ها و برنامه‌های سواد رسانه‌ای است که ابعاد سواد رسانه‌ای را در دو حوزه مستقل با درجات گوناگونی از پیچیدگی و درهم‌آمیختگی تبیین می‌کند. این ابعاد عبارت‌اند از:

بعد فردی

بعد فردی به قابلیت‌های (شناختی، تکنیکی، مشارکتی و اخلاقانه) فرد جهت بهره‌مندی و استفاده از رسانه اشاره دارد که دربرگیرنده طیف وسیعی از توانایی‌ها از قبیل دسترسی، تحلیل، فهم و تولید است که دربرگیرنده مؤلفه‌های سه‌گانه است که عبارت‌اند از: مؤلفه تکنیکی (فنی): شرط استفاده از رسانه بعد فنی رسانه‌ای است. این مهارت شامل به‌کارگیری وسایل ارتباط جمعی است. هدف این مؤلفه استفاده عملیاتی از رسانه‌ها است. تکنیک یا مهارت، واسطه‌ای برای برقراری ارتباط بین افراد و رسانه است و توانایی مخاطبان را در استفاده از رسانه مورد توجه قرار می‌دهد (علوی پور، عسکری، خسروی و سروی زرگر، ۱۳۹۹). اهمیت برنامه‌ریزی شخصی در نحوه استفاده از رسانه‌ها یا رژیم مصرف^۲ رسانه‌ها در حوزه تکنیکی قابل مطالعه است. در رژیم مصرف کلیدواژه‌های مورد توجه، چه چیز را، چه مقدار، چه وقت، کجا، چه کسی مدنظر است (تسلیمی و

1. European Commission
2. media diet

آقامحمدی، ۱۳۹۴). سواد رسانه‌ای به‌سان یک رژیم غذایی است که هوشمندانه مراقب است که چه موادی مناسب و چه موادی نامناسب بدن است. در یک‌کلام این‌که چه چیزی را باید مصرف کرد و چه چیزی را نباید مصرف کرد و این‌که مقدار مصرف هر ماده‌ای بر چه اساسی باید باشد را مورد مطالعه قرار می‌دهد؛ بنابراین در این مؤلفه هدف استفاده عملیاتی از رسانه است.

مؤلفه شناختی: مؤلفه شناختی به فهم انتقادی مخاطب اشاره دارد. لازمه فهم انتقادی در درجه اول شناخت یعنی فهم، تحلیل (رمزگشایی)، ارزیابی و انتخاب آگاهانه است. فهم انتقادی به یادگیری شیوه‌های تفکر، پرسشگری انتقادی و تفکیک انتقادی اطلاق می‌شود. در فهم انتقادی، فرد توانایی تحلیل، قدرت ساخت شکنی، تجزیه پیام‌های رسانه‌ای و قرار دادن آن‌ها در طبقات، مفاهیم و ایده‌های مختلف را کسب می‌کند. فهم انتقادی به رمزگشایی یا بازیابی پیام‌های رسانه‌ای و اطلاعات منجر می‌شود. رمزگشایی بدین معنا است که فرد دریابد چگونه پیام‌های رسانه‌ای و اطلاعات را بازیابی کند و همین‌طور متوجه این نکته شود که هر رسانه‌ای یک سری قراردادهای مشخص و نانوشته دارد که بر اساس آن‌ها عمل می‌کند (باهنر و چابکی، ۱۳۹۲). توانایی تحلیل، قدرت، ساخت شکنی و تجزیه نمودن پیام‌های رسانه‌ای و قرار دادن آن‌ها در طبقه‌ها، مفاهیم و انگاره‌های مختلف را به فرد می‌دهد. در این مرحله فرد می‌آموزد که چگونه معانی پنهان متون رسانه‌ای را آشکار کند. توانایی ارزیابی، این امکان را فراهم می‌آورد تا مخاطبان دانش موجود خود را برای یک قضاوت ارزشی در مورد پیام‌های رسانه‌ای به‌کارگیرند، این قضاوت‌ها بر مبنای عقاید و ارزش‌های شخصی هر فرد شکل می‌گیرد.

با استفاده از مهارت نقد، مخاطب به تجزیه و تحلیل و سؤال درباره چهارچوب ساخت پیام و جنبه‌های جاافتاده در آن می‌پردازد. در این بعد شناخت حقایق و جنبه‌هایی از پیام که حذف شده حائز اهمیت است (تسلیمی و کلاته، ۱۳۹۴). به عبارت دیگر فهم متن از سوی مخاطب، درگرو شناسایی ابعاد جاافتاده پیام است. هابز این بعد از سواد رسانه‌ای را "فهم سطح بالاتر" می‌نامد. در این سطح کاربران می‌توانند اطلاعات، پیام‌ها، اعتقادات و ارزش‌هایی را که در هر رسانه نقل شده را تحلیل و ارزش‌گذاری نمایند. از این‌رو در این مؤلفه ارزیابی پیام و محتوای رسانه با استفاده از فهم انتقادی مورد توجه است. این

مؤلفه پیشرفت جنبه‌های شخصی، توانایی‌های خودآگاهی، تفکر انتقادی و توانایی حل مسئله را تقویت می‌کند و به جنبه‌های نامحسوس‌تر رسانه و موضوع‌های عمیقی مانند چه کسی از ارسال پیام سود می‌برد، چه کسی ضرر می‌کند، چه کسی پیام رسانه‌ای را می‌فرستد، می‌پردازد.

مؤلفه ارتباطی: این مؤلفه دربرگیرنده مؤلفه تکنیکی و شناختی است. این مؤلفه به تقویت روابط اجتماعی با ایجاد شبکه ارتباطات و تولید محتوا در فضای مشارکت شهروندی و شهروندی فعال توجه دارد (علوی پور، عسکری، خسروی و سروی زرگر، ۱۳۹۹). این مؤلفه تولید پیام رسانه‌ای را نشانه گرفته است و به مخاطب اجازه می‌دهد پیام‌هایی با رمزگان مختلف خلق، تولید نماید. این مؤلفه توانایی‌های ارتباطی، ظرفیت تعامل با دیگران و ایجاد شبکه ارتباطات را در برمی‌گیرد. هدف این مؤلفه برقراری روابط اجتماعی، ایجاد شبکه‌های رسانه‌ای، مشارکت شهروندی، شهروند فعال و تولید محتوا را در برمی‌گیرد.

بعد محیطی

بعد محیطی، محیط داخلی و خارجی رسانه را به‌عنوان یک سیستم باز و پویا در نظر می‌گیرد که با هم در تعامل می‌باشند. از اهمیت این بعد این است که بعد فردی نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (علوی پور، عسکری، خسروی و سروی زرگر، ۱۳۹۹). محیط داخلی معمولاً به فضای رسانه و محیط بیرونی را به دنیای خارج که رسانه در آن واقع شده است و به بازتولید می‌پردازد اطلاق می‌شود. لذا عواملی مانند سطح توسعه اقتصادی، فرهنگی، میزان دموکراتیزه بودن ساختار سیاسی و بنیان‌های اخلاقی و فلسفی مقررات حاکم به‌طور مستقیم بر کیستی و چیستی عوامل و چگونگی تعامل بین عوامل سطوح مزبور تأثیر می‌گذارد. بعد محیطی تسهیل یا توقف سواد رسانه‌ای را در هر کشوری فراهم می‌آورند (صلواتیان، مردانی و سعادت، ۱۳۹۸). اهمیت این عوامل به حدی است که عوامل فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بعد محیطی دارای مؤلفه‌هایی است که عبارت‌اند از:

مؤلفه حاکمیتی: این بعد سیاست سواد رسانه‌ای را در برمی‌گیرد. معمولاً سیاست‌های سواد رسانه‌ای در اسناد بالادستی مورد توجه قرار می‌گیرند. اسناد بالادستی به تدوین قوانین یکپارچه و جامع پیرامون سواد رسانه و ارائه آن به نهادهای ذی‌ربط می‌پردازند. در این بخش اولویت‌ها (آموزش، پژوهش، فناوری و فرهنگ‌سازی) و تمرکز هر نهاد حاکمیتی پیرامون سواد رسانه‌ای مشخص می‌شود (علوی پور، عسکری، خسروی و سروی زرگر، ۱۳۹۹).

مؤلفه اجتماعی: مؤلفه اجتماعی به بسترسازی برای شکل‌دهی جامعه مدنی اطلاعاتی، شکل‌دهی یکپارچه گروه‌ها و خوشه‌های اجتماعی اطلاعاتی در نظام اجتماعی اطلاق می‌شود. مشارکت شهروندی و شهروندی فعال در این مؤلفه مدنظر قرار دارد (علوی پور، عسکری، خسروی و سروی زرگر، ۱۳۹۹).

مؤلفه اقتصادی: مؤلفه اقتصادی به بسترسازی مناسب برای صنایع رسانه‌ای سنتی، دیجیتال و الکترونیک (روزنامه‌ها، کانال‌های تلویزیون، سینما، تلفن، اینترنت، سایر نهادها)، شکل‌دهی متوازن آن و تقویت زیرساخت‌ها و بسترها و اقدامات جامع در زمینه صنایع رسانه می‌پردازد.

مؤلفه دسترسی به رسانه: مؤلفه دسترسی به فرصت‌های استفاده از رسانه مربوط می‌شود. مؤلفه دسترسی بر یک فرایند اجتماعی و پویا استوار است. از این رو لازم است میان دسترسی‌های فیزیکی به رسانه‌ها و محتوای آن‌ها و توانایی نظری و عملی استفاده از رسانه‌ها تمایز قائل شد (لوینگستون، ۲۰۰۴). این مؤلفه ناظر بر قوانینی است که چگونگی استفاده از رسانه را مشخص می‌کند. دسترسی به رسانه‌ها (تسهیل دسترسی، کنترل دسترسی) تصویب قوانین چگونگی استفاده از رسانه را مشخص می‌کند.

مؤلفه آموزشی: مؤلفه آموزشی به آموزش سواد رسانه‌ای مربوط می‌شود. طراحی نظام جامع آموزشی رسانه برای مقاطع مختلف سنی وارد نمودن آموزش سواد رسانه‌ای به طراحی نظام آموزشی، آموزش منسجم در دوره‌های مختلف تحصیلی، برنامه‌های آموزشی که برای سواد رسانه‌ای برای گروه‌های مختلف سنی، اجتماعی، فرهنگی و جنسی متفاوت اجرا می‌شود در این مؤلفه مورد بررسی است (علوی پور، عسکری، خسروی و سروی زرگر، ۱۳۹۹).

روش پژوهش

روش این مطالعه، روش توصیفی از نوع اسنادی -تحلیلی است (گال و همکاران، ۱۳۸۴). جامعه این پژوهش، مقالات منتشرشده پیرامون متغیرهای مورد مطالعه سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای و مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) است که از این جامعه به‌طور هدفمند نمونه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های پژوهش فیش، چک‌لیست‌ها و فرم‌های محقق ساخته بوده است. این پژوهش طی مراحل انجام شد که عبارت‌اند از:

مرحله اول: بر اساس مبانی نظری سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای، ابعاد و مؤلفه‌های سیاست‌گذاری رسانه استخراج گردید.

مرحله دوم: ابعاد و مؤلفه‌های استخراج‌شده سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای در اختیار خبرگان حوزه رسانه قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد که پیرامون این موضوع اظهار نظر کنند که آیا این ابعاد و مؤلفه‌ها قابلیت این را دارند که بتوانند بعد سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای سند «مبانی نظری سند تحول بنیادین» و «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» مورد ارزیابی قرار دهند. پس از تأیید چهارچوب اولیه، مطالعه اسناد مورد مطالعه آغاز شد.

مرحله سوم: روش مطالعه اسناد به این صورت بود که در ابتدا کلیه گزاره‌هایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم پیرامون رسانه مطرح شده بود، استخراج شد.

مرحله چهارم: در این مرحله گزاره‌های استخراج‌شده با ابعاد و مؤلفه‌های سیاست‌گذاری رسانه‌ای در ارتباط قرار داده شد. این مرحله چندین مرتبه رفت و برگشت داشت. پس از انجام رفت و برگشت‌های مکرر و پالایش‌های مورد نیاز در زمینه در ارتباط قرار دادن گزاره‌های استخراج‌شده از اسناد مورد مطالعه با ابعاد و مؤلفه‌های سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای، چهارچوب اصلی مطالعه تهیه شد.

مرحله پنجم: در این مرحله جدولی تنظیم شد که در ستون اول ابعاد، در ستون دوم مؤلفه‌های هر بعد در ستون سوم گزاره‌های سیاست‌گذاری استخراجی ناظر بر هر مؤلفه قرار داده شد. سپس این جدول در اختیار سه نفر متخصص حوزه رسانه و سه نفر متخصص آشنا با اسناد تحولی آموزش و پرورش قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد که پیرامون مرتبط بودن گزاره‌های استخراجی با ابعاد و مؤلفه‌های سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای اظهارنظر کنند. دریافت دیدگاه‌های متخصصان حاکی از انجام پیشنهاد جابجایی‌های ردیفی گزاره‌های استخراجی در ارتباط با ابعاد و مؤلفه‌های سواد رسانه‌ای بود. پس از انجام اصلاحات پیشنهادی، مجدداً جدول بازبینی شده برای بار دوم در اختیار متخصصان قرار داده شد که مورد تأیید قرار گرفت.

مرحله ششم: در این مرحله تحلیل گزاره‌های سیاستی به‌طور توصیفی در سطح گزارشگرانه انجام شد. مقصود از تحلیل‌های گزارشگرانه تحلیل‌هایی است که به توصیف و تفسیر پیامدهای واقعی یک سیاست آن‌گونه که رخ داده است می‌پردازد.

یافته‌های پژوهش

قبل از ورود به محورهای مطالعه ذکر این نکته لازم است که به دلیل این‌که تحلیل سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای در اسناد تحولی با نگاه به پدیده کرونا موضوع مورد مطالعه است در تحلیل ارزشیابانه گزاره‌های سیاستی تمرکز بر شبکه اجتماعی - آموزشی شاد شده است. به همین دلیل اجرای سیاست‌گذاری‌های سواد رسانه‌ای با عملکرد شبکه شاد مورد ارزشیابی قرار گرفته است.

محور اول: جایگاه بعد فردی سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای در مبانی نظری سند

تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
بعد فردی سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای خود دارای مؤلفه‌هایی است که عبارت‌اند از مؤلفه تکنیکی، شناختی و ارتباطی. جایگاه این بعد در مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) در جدول زیر منعکس شده است.

جدول ۱: جایگاه بعد فردی سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای در "مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)" و "سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)"

مدل EC	نوع سند	گزاره‌های سیاستی مبانی نظری سند تحول بنیادین	تحلیل گزاره‌های سیاستی گزاره‌های سیاستی
	مبانی نظری (سند) فلسفه تربیت رسمی و عمومی	استفاده صحیح متربی از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر مربوط به (مبانی سیاسی تربیت رسمی و عمومی)	لازمه استفاده صحیح متربی از رسانه، برخورداری از مهارت استفاده از رسانه است؛ که البته در زمینه مهارت یادگیرندگان اشاره‌ای در این سند نشده است
	سند تحول	-	در زمینه مهارت استفاده از رسانه در سند تحول هیچ اشاره‌ای نشده است.
	مبانی نظری (سند) فلسفه تربیت رسمی و عمومی	بالا بردن سطح آگاهی‌های رسانه‌ای متربیان در همه زمینه‌ها مربوط به (مبانی سیاسی تربیت رسمی و عمومی)	
	مبانی نظری (سند) فلسفه تربیت	رشد توانمندی‌های متربیان در شناخت و بهره‌گیری از علم و فن‌آوری توسط رسانه مربوط به (رسانه با سایر عوامل سهیم)	
	مبانی نظری (سند) فلسفه تربیت	توسعه نتایج تجارب متراکم بشری در عرصه علم و فن‌آوری توسط رسانه مربوط به (رسانه با سایر عوامل سهیم)	
	مبانی نظری	مواجهه هوشمندانه با رسانه مربوط به (معرفی رسانه به‌عنوان ارکان تربیت)	

مدل EC	نوع سند	گزاره‌های سیاستی مبانی نظری سند تحول بنیادین	تحلیل گزارشگرانه گزاره‌های سیاستی
	سند فلسفه تربیت		
	سند تحول	بهره‌گیری هوشمندانه از رسانه (بند ۲ - بیانیه ارزش‌ها)	
	سند تحول	مواجهه فعال و آگاهانه جهت پیشگیری و کنترل آثار و پیامدهای نامطلوب رسانه (بند ۲ - بیانیه ارزش‌ها)	
	سند تحول	بهره‌مندی هوشمندانه از فناوری‌های نوین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی مبتنی بر نظام معیار اسلامی (فصل ۶ - بند ۲)	
	مبانی نظری	-	-
	سند تحول	-	-

تحلیل داده‌های حاصل از جدول فوق حاکی از این است که در بعد فردی سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای در مؤلفه تکنیکی که دسترسی به رسانه مطرح است در مبانی نظری به این موضوع پرداخته شده است اما در سند تحول به این مهم اشاره نشده است که البته این ناهمسویی بین این دو سند که نقش مادر و فرزند برای همدیگر ایفا می‌کنند خود محل تأمل است که خود موضوع یک مقاله جداگانه است. در بخش مهارت شناختی خوشبختانه هر دو سند به بهره‌مندی هوشمندانه از رسانه پرداخته‌اند. البته به دلیل این که قبل از دوران کرونا برخورد نظام آموزشی با آموزش مجازی بیشتر سلبی بود تا ایجابی، به نظر می‌رسد که برخورد هوشمندانه با رسانه، به برنامه‌ریزی و در ادامه به آموزش نیازمند است. از این رو احتمال کمی وجود دارد که دانش آموزان مهارت لازم را جهت نحوه استفاده صحیح و هوشمندانه را از رسانه کسب کرده باشند. دیگر مؤلفه بعد فردی سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای مؤلفه ارتباطی است که این مؤلفه در هر دو سند مسکوت گذاشته شده است.

محور دوم: تعیین سیاست‌های سواد رسانه‌ای

مؤلفه سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای از مؤلفه ابعاد محیطی سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای است که ناظر به تعیین سیاست‌های سواد رسانه‌ای و تعیین قوانین سیاست‌های سواد رسانه‌ای است که در جدول زیر آمده است:

جدول ۲: سیاست‌های سواد رسانه‌ای در مبانی نظری سند تحول بنیادین و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)

مدل EC	نوع سند	گزاره‌های سیاستی مبانی نظری سند تحول بنیادین	تحلیل گزاره‌های سیاستی
	مبانی نظری سند	- مشارکت اصحاب رسانه و نهادها و سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های مردم‌نهاد (جامعه مدنی) در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی و هماهنگی، اجرا و نظارت و ارزشیابی در جهت تحقق رسالت و اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی	
	سند تحول	پرداختن به نقش تربیتی رسانه (فصل دوم بند ۱۵) بیانیه ارزش‌ها	
	سند تحول	استفاده از فناوری آموزشی در سطح نظام معیار (چشم‌انداز بند ۱۲)	
	مبانی نظری سند	جامع‌نگری در طراحی، تولید تجهیزات تولید و تأمین فناوری در پاسخگویی به نیاز ساحت‌های تربیتی (تولید رسانه) (زیر نظام فضا و تجهیزات)	در صورتی که متخصصین حرفه‌ای به کار گمارده شود دستیابی به این سیاست امکان‌پذیر خواهد بود
	مبانی نظری سند	رعایت عدالت در توزیع، تجهیزات و فناوری	عدالت توزیعی (توزیع تجهیزات و فناوری) می‌تواند عدالت سواد رسانه‌ای را رقم زند
	مبانی نظری سند	استفاده از ظرفیت محیط رسانه‌ای و فناوری باید در راستای اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های نظام تربیت رسمی و عمومی	باور سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به نقش رسانه در فرایند تربیت رسمی و عمومی به اجرای این سیاست منجر خواهد شد.

		(ارکان تربیت)	
	استفاده از فناوری‌های نوین در کنار تولید فناوری‌های بومی از دیگر برجستگی‌های کلیدی برخوردار مبانی نظری با سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای است که دست‌یابی به محوریت رسانه در نظام آموزشی را با سیاست‌گذاری واقعی و درست ممکن است	بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در ایجاد فضا و تجهیزات ضمن تأکید بر فناوری‌های بومی مربوط به (زیر نظام فضا و تجهیزات)	مبانی نظری
-	-	-	مبانی نظری
-	-	-	سند تحول

تحلیل داده‌های حاصل از جدول فوق حاکی از این است که هر دو سند در سطح سیاست‌گذاری به تعیین سیاست‌های رسانه‌ای توجه داشته‌اند، اما به تدوین قوانین یکپارچه توجهی نشده است. به نظر می‌رسد اجرای سیاست‌های رسانه‌ای در نظام آموزشی تا زمان کرونا (۱۳۹۹) آن‌چنان‌که باید مورد توجه سیاست‌گذاران قرار نگرفته بوده است. به طوری که حتی استفاده از تلفن هوشمند در مدارس توصیه نمی‌شد. علاوه بر این طرح شبکه شاد بود که در سال ۱۳۹۴ مطرح شد اما در سال ۱۳۹۹ به دلیل شیوع کرونا اجرایی شد استفاده از فناوری‌های بومی در دو سطح سخت‌افزار و نرم‌افزار در شبکه آموزشی "شاد" گامی در راستای سیاست‌گذاری استفاده از فناوری‌های بومی است.

محور سوم: بستر سازی صنایع رسانه‌ای

مؤلفه بستر سازی صنایع رسانه‌ای از مؤلفه ابعاد محیطی سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای است که ناظر بر فراهم کردن بسترهای لازم برای استقرار سواد رسانه‌ای در نظام تعلیم و تربیت است. گزاره‌های سیاستی مستخرج از اسناد تحولی آموزش و پرورش در جدول زیر آمده است.

جدول ۳: بسترسازی صنایع رسانه‌ای در مبانی نظری سند تحول بنیادین و سند

تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)

مدل EC	نوع سند	گزاره‌های سیاستی مبانی نظری سند تحول بنیادین	تحلیل گزاره‌های سیاستی گزاره‌های سیاستی
	مبانی نظری سند	- طراحی، تولید و تأمین تجهیزات و فناوری در تربیت رسمی و عمومی به‌عنوان تابعی از عناصر موقعیت مربوط به (زیر نظام فضا و تجهیزات)	از ویژگی‌های برجسته مبانی نظری در برخورد با بسترسازی صنایع رسانه‌ای توجه به عنصر موقعیت است که این توجه به موضوع پویایی می‌دهد.
	مبانی نظری سند	-تجهیز محیط تربیتی به رسانه‌های دیداری، شنیداری، الکترونیکی و فناوری‌های تربیتی مربوط به (زیر نظام فضا و تجهیزات)	
	سند تحول	تدارک تجهیزات و فناوری متناسب با ساحت‌های تربیت (فصل ۶، راهبرد کلان ۷)	
	سند تحول	بهره‌گیری از تجهیزات و فناوری‌های نوین آموزشی و تربیتی در راستای اهداف تربیت (فصل هفتم راهکار ۱-۱)	
	مبانی نظری سند	-تأمین فضاهای کالبدی، تجهیزات و فناوری مناسب برای زمینه‌سازی تحقق اهداف ساحت‌های تربیت مربوط به (زیر نظام فضا و تجهیزات)	-

تحلیل داده‌های حاصل از جدول فوق حاکی از این است که هر دو سند در سطح سیاست‌گذاری به بسترسازی صنایع رسانه‌ای توجه نموده‌اند اما عملکرد نظام آموزشی در دوران کرونا نشان داد که سرمایه‌گذاری در زمینه تدارک تجهیزات و فناوری در آغاز راه است و مناطق محروم در این زمینه با مشکلات فراوانی مواجه هستند. اظهارنظرهای منتشرشده از نظرات معلمان و والدین دانش‌آموزان در مناطق مختلف کشور نشان می‌دهد که در کار با شبکه شاد دو چالش اصلی وجود دارد. اول این که شبکه از نظر زیرساختی، پتانسیل لازم را برای پاسخگویی نیاز ۱۵ میلیون دانش‌آموز کشور ندارد و دوم این که معلمان نه تنها محتوایی مناسب به اشتراک‌گذاری در این شبکه ندارند، بلکه اگر محتوایی نیز در دسترسشان باشد، به دلیل ضعف‌های این پلتفرم به‌سختی می‌توانند آن را با دانش‌آموزان به اشتراک بگذارند.

محور چهارم: شکل‌دهی متوازن صنایع رسانه‌ای

مؤلفه شکل‌دهی متوازن صنایع رسانه استفاده متوازن از کلیه صنایع رسانه‌ای در نظام تعلیم و تربیت است. گزاره‌های سیاستی مستخرج از اسناد تحولی آموزش و پرورش در جدول زیر آمده است.

جدول ۴: شکل‌دهی صنایع متوازن رسانه‌ای در مبانی نظری سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) و سند تحول بنیادین آموزش پرورش (۱۳۹۰)

مدل EC	نوع سند	گزاره‌های سیاستی مبانی نظری سند تحول بنیادین	تحلیل گزارشگرانه گزاره‌های سیاستی
	مبانی نظری	ایجاد تنوع در رسانه‌ها و تأکید بر استفاده از رسانه‌های کلامی و غیرکلامی در فرایند یاددهی (زبان آموزش تولید رسانه)	استفاده متعادل از رسانه‌ها (دیداری - شنیداری - دیجیتال، ...) در فرایند یاددهی - یادگیری
	سند تحول	-	-

تحلیل داده‌ای حاصل از جدول فوق حاکی از این است که در سطح سیاست‌گذاری توجه متوازن به رسانه‌ها تنها در سند مبانی نظری مورد توجه قرار گرفته است و در سند تحول این موضوع مسکوت مانده است. دیدگاه‌های منتشرشده کاربران شبکه شاد حاکی از این است که شبکه شاد در حال حاضر به محتوای چندرسانه‌ای نیازمند است. کاربران شاد معتقدند قرارداد فایل‌های ویدئویی در این شبکه به‌سختی انجام می‌گیرد و وقفه‌های متعدد، احراز هویت پردردسر و مشکلات فنی دیگر عملاً کار با آن را بسیار دشوار کرده است

محور پنجم: بسترسازی جامعه مدنی اطلاعاتی و شکل‌دهی خوشه‌های اطلاعاتی

این مؤلفه از ابعاد محیطی و زمینه‌ای سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای است. گزاره‌های سیاستی مستخرج از اسناد تحولی آموزش و پرورش در جدول زیر آمده است.

جدول ۵: بسترسازی جامعه مدنی اطلاعاتی و شکل‌دهی خوشه‌های اطلاعاتی در مبنای نظری سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)

مدل EC	نوع سند	گزاره‌های سیاستی مبنای نظری سند تحول بنیادین	تحلیل گزاره‌های سیاستی
	مبنای نظری	-	-
	سند تحول	استفاده از شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات برای تقویت معرفت و باور به معارف الهی (فصل هفتم، ۱-۱ راهکار)	
	سند تحول	توسعه و غنی‌سازی شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات در سطح مدرسه فصل ۷ راهکار ۱-۶	
	سند تحول	توسعه ضریب نفوذ شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات (اینترنت) در مدارس با اولویت پر کردن شکاف دیجیتالی بین مناطق آموزشی و ایجاد سازوکار مناسب برای بهره‌برداری هوشمندانه در چارچوب نظام معیار اسلامی (فصل ۷ راهکار ۱-۱۷)	
	سند تحول	استفاده از فناوری آموزشی با توجه باتوجه به طیف منابع و رسانه‌های یادگیری (شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات)	
	سند تحول	ایجاد شبکه‌ای از محیط یادگیری مانند پژوهش سراها، موزه‌های علم و فناوری با رعایت اصل غنی‌سازی محیط مدرسه با همکاری سایر دستگاه‌ها فصل ۷ راهکار ۶-۶	

تحلیل داده‌های حاصل از جدول فوق حاکی از این است که پیرامون سیاست‌گذاری در زمینه شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی در مبانی نظری اشاره‌ای نشده است اما در سند تحول به‌طور وسیع به شکل‌گیری چنین جامعه‌ای پرداخته شده است. این توجه قابل توجه در سند تحول به این موضوع (جامعه اطلاعاتی) در حالی است که در اجرا، در دوران کرونا به دلیل کمبود امکانات، تجهیزات، شکل‌گیری جامعه مدنی اطلاعاتی در آغاز راه است. مشکلات کاربران شبکه شاد حاکی از وجود ضعف‌های جدی در اجرای سیاست بسط‌سازی جامعه اطلاعاتی وجود دارد.

محور ششم: مشارکت بخش خصوصی

این مؤلفه از ابعاد محیطی و زمینه‌ای سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای است. گزاره‌های سیاستی مستخرج از اسناد تحولی آموزش و پرورش در جدول زیر آمده است.

جدول ۶: مشارکت بخش خصوصی در مبانی نظری سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)

مدل EC	نوع سند	گزاره‌های سیاستی مبانی نظری سند تحول بنیادین	تحلیل گزاره‌های سیاستی گزاره‌های سیاستی
	مبانی نظری	تعامل بیشتر بین بخش عمومی و خصوصی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه فن‌اورهای اطلاعاتی (زیر نظام فضا و تجهیزات)	مشارکت بخش خصوصی از سطح محلی، ملی و فن‌آوری اطلاعاتی مورد تأکید است.
	مبانی نظری	مشارکت فراگیران و کاربران در نگهداری فضا، تجهیزات و فن‌آوری (زیر نظام فضا و تجهیزات)	
	مبانی نظری	تقویت مشارکت‌های مردمی در فرایند ساخت فضا، تجهیزات، تولید و استقرار فناوری (زیر نظام فضا و تجهیزات)	

تحلیل داده‌های حاصل از جدول فوق حاکی از این است که در هر دو سند در سطح سیاست‌گذاری به تعامل بخش عمومی و خصوصی در سطوح مختلف محلی، ملی و بین‌المللی اشاره شده است؛ اما در عرصه عمل چیز دیگری اتفاق می‌افتد. منظور این است که در شکل‌گیری شبکه شاد، وزارت آموزش و پرورش تمرکزش استفاده از خدمات دولتی

است تا خصوصی. این در حالی است که بخش خصوصی در حوزه آموزش مجازی از تجربیات خوبی برخوردار است.

محور هفتم: طراحی نظام سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی

این حوزه مربوط به طراحی نظام سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی است. این مؤلفه از ابعاد محیطی و زمینه‌ای سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای است. گزاره‌های سیاستی مستخرج از اسناد تحولی آموزش و پرورش در جدول زیر آمده است.

جدول ۷: طراحی نظام سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی در مبانی نظری سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) و سند تحول بنیادین آموزش پرورش (۱۳۹۰)

مدل EC	نوع سند	گزاره‌های سیاستی مبانی نظری سند تحول بنیادین	تحلیل گزاره‌های سیاستی گزاره‌های سیاستی
	مبانی نظری	تلفیق و به‌کارگیری مهارت‌های مربوط به سواد اطلاعاتی و ارتباطی در جریان یادگیری محتوا، به منزله روشی و ابزاری برای یاددهی و یادگیری عمیق‌تر و بهتر	
	مبانی نظری	افزایش فرصت‌های آموزشی و یادگیری دیجیتال، الکترونیکی و اینترنتی	
	سند تحول	- استفاده از ظرفیت ممتاز فناوری اطلاعات و ارتباطات در تحول کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری (فصل ۶ راهبرد کلان ۷)	
	سند تحول	آموزش و ارتقای مدیریت خانواده در استفاده مناسب از ابزار رسانه در محیط خانواده همسو با اهداف نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی (فصل هفتم راهکار ۱-۴)	
	سند تحول	گسترش بهره‌برداری از ظرفیت آموزش‌های غیرحضوری و مجازی در برنامه‌های آموزشی و تربیتی ویژه معلمان، دانش‌آموزان با رعایت اصول تربیتی از طریق شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات (فصل هفتم راهکار ۴-۱۷)	

تحلیل داده‌های حاصل از جدول فوق حاکی از این است که هر دو سند در طراحی نظام سواد رسانه‌ای به گسترش بهره‌برداری از ظرفیت ممتاز فن‌آوری توجه داشته‌اند که این

توجه مبین اهمیت طراحی نظام سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی است؛ اما عملکرد نظام آموزشی در دوران کرونا نشان داد که نظام آموزشی در زمینه طراحی سواد رسانه‌ای در آغاز راه است که حمایت شدید سیاست‌گذاران نظام آموزشی و فضای مجازی را در ادامه راه طالب است.

محور هشتم: تولید محتوای رسانه‌ای

این حوزه مربوط به تولید محتوای رسانه‌ای است. این مؤلفه از ابعاد محیطی و زمینه‌ای سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای است. گزاره‌های سیاستی مستخرج از اسناد تحولی آموزش و پرورش در جدول زیر آمده است.

جدول ۸: تولید محتوای رسانه‌ای در نظام آموزشی در میانی نظری سند تحول بنیادین (۱۳۹۰) و سند تحول بنیادین آموزش پرورش (۱۳۹۰)

مدل EC	نوع سند	گزاره‌های سیاستی میانی نظری سند تحول بنیادین	تحلیل گزاره‌های سیاستی گزارشگران
	میانی نظری	طراحی سایت‌های مناسب ساخت برنامه‌های تربیتی متنوع و مفید به رسانه ملی جهت ارتقای سطح تربیتی مخاطبان	اعمال سیاست‌های تشویقی و حمایتی در این راستا می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود
	میانی نظری	استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه درسی با نگاه تقویتی و تکمیلی توانمندسازی و نه نگاه جایگزینی	
	سند تحول	تدوین پودمان‌های آموزشی برای تبیین نقش رسانه در تأمین پیش‌نیازهای ورود کودک به مدرسه و ایجاد سازو کارهای لازم برای هماهنگی با اهداف نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی (فصل هفتم راهکار ۲-۴)	

تحلیل داده‌های حاصل از جدول فوق حاکی از این است که هر دو سند در سطح سیاست‌گذاری به تولید محتوای رسانه‌ای با نگاه توانمندسازی و توجه به زیست‌بوم داخلی با توجه به تجربه جهانی توجه داشته‌اند، اما در سطح اجرا با توجه به این که تا سال ۱۳۹۹ در نظام آموزشی گام جدی در حوزه آموزش مجازی بر داشته نشده بود، از این رو

فعالیت‌هایی که در زمینه تدوین محتوای رسانه‌ای برداشته شده است فعالیت‌های در آغاز راه است که باید با سرمایه‌گذاری جدی تکمیل و تقویت شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی قابلیت‌های سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای در اسناد تحولی آموزش و پرورش یعنی مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) جهت مواجهه با بحران کرونا است. نکته قابل توجه در یافته‌های حاصله از این دو سند این است که علی‌رغم این‌که در مواردی ناهم‌سویی بین این دو سند در برخورد با سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای وجود دارد که خود موضوعی جداگانه است و به مطالعه مستقلی نیازمند است، اما در هر دو سند به برخی از ابعاد فردی و محیطی سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای اشاره شده است.

از جمله مؤلفه‌های مورد اشاره در بعد فردی سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای، اشاره به بعد شناختی سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای است که در هر دو سند به‌مواجهه هوشمندانه با رسانه اشاره نموده‌اند. تحلیل ارزشیابانه این سیاست‌حاکمی از این است که برای این‌که کاربران رسانه بتوانند مواجهه هوشمندانه با رسانه داشته باشند باید آموزش‌های لازم را دریافت کنند تا بتوانند با آگاهی با رسانه مواجه شوند و در برخورد با رسانه توانایی دست به انتخاب زدن را داشته باشند. از آنجایی که برخورد سیاست‌گذاران نظام آموزشی در برخورد با رسانه تا قبل از کرونا عمدتاً سلبی بود به همین دلیل به نظر می‌رسد که برنامه‌ریزی‌های جامع و کامل برای اجرای این سیاست صورت نگرفته بود. از همین رو گزارش‌های منتشر شده از کاربران شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه شبکه شاد حاکی از این است که کاربران آموزش‌های لازم را در این زمینه دریافت نکرده‌اند.

در رسانه‌ها حاکی از این است که لازم است نظام آموزشی جهت ایجاد هوشمندی در کاربران خود در مواجهه با رسانه برنامه‌ریزی‌های جامعی به عمل آورد تا بتواند از تهدیدهای رسانه بکاهد و تهدیدها را به فرصت تبدیل کند. در بعد تکنیکی هم به‌رغم اینکه در سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای در اسناد تحولی آمده اما در اجرای این سیاست،

نظام آموزش و پرورش در آغاز راه است. هر دو سند در بعد ارتباطی سیاست‌گذاری رسانه‌ای سکوت کرده‌اند و اشاره‌ای در این زمینه در این دو سند به عمل نیامده است. در بعد اجتماعی سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای هر دو سند ورودی خوبی در سطح سیاست‌گذاری داشته‌اند یعنی در هر دو سند کم‌وبیش به تعیین سیاست‌های سواد رسانه‌ای، بسترسازی صنایع رسانه‌ای، شکل‌دهی متوازن صنایع رسانه‌ای، بسترسازی جامعه مدنی اطلاعاتی و شکل‌دهی خوشه‌های اطلاعاتی، طراحی نظام سواد رسانه‌ای و تولید محتوای رسانه‌ای پرداخته شده است، اما تحلیل ارزشیابانه این سیاست‌هاکی از این است که نظام آموزش و پرورش در عمل آن‌گونه که باید نتوانسته است به خوبی این سیاست‌ها را در حال حاضر اجرایی نماید. شاهد این کاستی‌ها مشکلات گزارش شده توسط کاربران شبکه اجتماعی - آموزشی «شاد» است. پایین بودن سرعت اینترنت و کندی شبکه شاد، فقدان زیرساخت‌های متناسب با حجم کاربران ده میلیونی شاد، عدم وجود امکانات و قابلیت پیام‌رسان‌هایی چون تلگرام و واتساپ در شاد، عدم نصب اپلیکیشن شاد در برخی از گوشی‌های تلفن همراه...، کند بودن پلت‌فرم شاد (که به اذعان برخی معلمان پاسخ دانش‌آموز «ویس» ۲۰ دقیقه پس از طرح سؤال معلم ارسال شد همچنین امکان پرسش و پاسخ هم‌زمان وجود ندارد)، ضعیف بودن سیستم پشتیبانی شاد، عدم تجهیز مدارس به اینترنت‌های پرسرعت، برخوردار نبودن کلاس‌های آنلاین از استاندارد لازم، عدم پشتیبانی‌های لازم از کودکان محروم، چند فرهنگی، معلول و استثنایی توسط شبکه شاد، فقدان دسترسی برخی از خانواده‌ها به امکانات لازم، همانند گوشی هوشمند، سازگار نشدن خانواده‌ها با شبکه شاد، فقدان آشنایی معلمان با آموزش‌های مطلوب در فضای مجازی، عدم تسلط معلمان بر آموزش‌های مجازی، عدم دریافت آموزش لازم توسط کاربران، پایین بودن کیفیت آموزش، همخوان نبودن آموزش بعضی از دروس با استفاده از شبکه شاد، از جمله مشکلاتی است که معلول اجرایی نشدن گزاره‌های سیاستی، سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای در بعد محیطی است. البته اجرایی شدن این سیاست‌ها، نیازمند باور و اعتماد مدیران به رسانه، زمان، بودجه و امکانات است؛ که انتظار می‌رود سیاست‌گذاران گام‌هایی که در زمینه سیاست‌گذاری‌های سواد رسانه‌ای در دوران کرون از

طریق استقرار آموزش‌های مجازی برداشته شده‌اند را ادامه دهند تا سیاست‌گذاری‌های طراحی شده بتواند کارکرد خود را در اجرا به منصفه ظهور برساند. از این رو بر اساس یافته‌ها از آنجایی که ممکن است کرونا ادامه داشته باشد پیشنهاد می‌شود که جهت اجرایی کردن سیاست‌گذاری‌های سواد رسانه‌ای در اسناد تحولی به تقویت و اعتلا شبکه آموزشی شاد از طریق زیرساخت‌های فناوری از طریق تخصیص اعتبارات لازم در این زمینه، توسعه شبکه‌های اطلاعاتی، تقویت سیستم‌های پشتیبانی شبکه‌های اطلاعاتی (شبکه شاد)، تقویت پهنای باند اینترنت، آموزش معلمان، خانواده‌ها، تقویت کیفیت محتواهای آموزشی اقدام نمایند. بهره‌گیری از همه بسترها و صنایع مختلف رسانه و تبدیل خوشه‌های اطلاعاتی منفک به یک جامعه اطلاعاتی یکدست از دیگر پیشنهادی این مطالعه است.



کتابنامه

- باهنر، ناصر و چابکی درزایی، رامین (۱۳۹۲). تحلیل سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای در سه نهاد فرهنگی و ارتباطی ایران. *فصلنامه رسانه و فرهنگ*، ۳(۲)، صص. ۱-۲۶.
- بشیر، حسن و چابکی، رامین (۱۳۹۳). نقش سواد رسانه‌ای در توسعه انسانی. *رسانه*، ۲۵(۴)، صص. ۶۳-۷۱.
- بیرقی غرد، علی؛ کارگر، فاطمه؛ یالاری، صدیقه و کارگر، مجتبی (۱۳۹۹). شبکه آموزشی دانش‌آموزی (شاد)، *فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی*، ۳(۳)، صص. ۵۲-۶۶.
- تسلیمی، محمدسعید؛ آقامحمدی، آمنه کلاته (۱۳۹۴). بازطراحی سازوکار سیاست‌گذاری رسانه‌ای متأثر از رویکرد ارتقای سواد رسانه‌ای (مورد مطالعه: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران). *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۸(۲)، صص. ۱-۲۸.
- تسلیمی، محمدمجید (۱۳۹۲). تحلیل فرایندی خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری. (چاپ پنجم)، تهران: انتشارات سمت.
- خواججه‌ئیان، داتیس (۱۳۹۰). مفهوم‌سازی خط‌مشی‌گذاری رسانه‌ای، شناسایی مؤلفه‌ها. *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، ۱۸(۱)، صص. ۱۱-۴۰.
- روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۸۷). نقش مدیریت رسانه در تحول بحران از تهدید به فرصت. *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، ۱۵(۲)، صص. ۱۶۳-۱۴۱.
- روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۹۴). *سیاست‌گذاری رسانه‌ای*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شورای عالی آموزش و پرورش ایران (الف) (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.
- شورای عالی آموزش و پرورش ایران (ب) (۱۳۹۰). *مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.
- صلواتیان، سیاوش، مردانی، زهرا و سعادت‌تی، مجید (۱۳۹۸). درآمدی بر سیاست‌گذاری آموزش سواد رسانه‌ای به طلاب در حوزه‌های علمیه. *فصلنامه تربیت اسلامی*، ۱۴(۴)، صص. ۱۰۵-۱۳۰.
- علوی‌پور، سیدمحسن؛ عسکری، سیداحمد؛ خسروی، علیرضا؛ سروی زرگر، محمد (۱۳۹۹). سیاست‌گذاری سواد رسانه‌ای در ایران: چالش‌ها و ظرفیت‌ها. *فصلنامه میان‌رشته‌ای رسانه و فرهنگ*، ۱۰(۱)، صص. ۱۶۵-۱۸۸.
- گال، مردیت؛ والتر، بورگ و گال جوئیس (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی*. تهران: سمت.

لبافی، سمیه (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی فرایند سیاست‌گذاری در سازمان صداوسیما. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مدیریت رسانه، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۹). راهنمای اپلیکیشن شاد ۲. نسخه ۲۶، کد مطلب ۱۲۷۲۵۰۸
بازیابی از: <http://www.medu.ir/fa>.

Commission of European Communities. (2009). *A European approach to media literacy in the digital environment*, Brussels, annex B framework media literacy study.

European Commission (2011). *Testing and Refining Criteria to Assess Media Literacy Levels in Europe*. Final Report.

Jernigan, J. A., Low, D. E., & Helfand, R. F. (2020). Combining Clinical and Epidemiologic Features for Early Recognition of SARS. *Emerging Infectious Diseases*, 10(2), 327-333. <https://doi.org/10.3201/eid1002.030741>.

Lancet, T. (2020). COVID-19: *fighting panic with information*. *Lancet* (London, England), 395(10224), 537. Retrieved from: <https://sci-hub.tw/downloads/2020-02-21/e7/10.1016@S0140-67362030379-2.pdf>.

Livingstone, S. (2004). *Adult Media Literacy: A Review of the Research Literature*. London: Department of Media and Communication.

OFCOM (2008). *What is Media Literacy?* (Publication: http://www.ofcom.org.uk/advice/media_literacy/of_med_lit/whatis/).

Organization for Economic Co-operation and Development (OECD). (2011). *Key country Policy responses to coronavirus: Country Policy Tracker*. Received in 13 April, 2020 from OECD. Available at: <http://www.oecd.org/coronavirus/en>

Perrow, C. (1984). *Normal Accidents*. New York: Basic Books Publications

Potter, W. J. (2013). *Media Literacy*. SAGE Publications.

Raboy, M. & Padovani, C. (2010). Mapping Global Media Policy: Concepts, Frameworks, and Methods. *Journal of Communication, Culture & Critique International Communication Association*. 28 (6), 907-923.

Rosenthal, U. & Kouzmin, A. (1996). Crisis management and institutional resilience *Journal of Contingencies and Crisis Management*, 4(3), 119-124.

UNESCO, (2011). *Media and Information Literacy Curriculum for Teacher*. Edited: Alton Grizzle and Carolyn Wilson, 28(5), 52-54

Van de Vord. R. (2010). *Distance Students and Online Research: Promoting information literacy through media literacy*. *The Internet and Higher Education*, 13(3), 170-15. Available at <http://www.sciencedirect.com/science/journal/10967516/13/3>.

Wallis, R., & Buckingham, D. (2013). Arming the Citizen-Consumer: The Invention of 'media Literacy' within UK Communications Policy. *European Journal of Communication*, 28(5), 527-540. Available at: [ejc.sage pub.com](http://ejc.sagepub.com).

World Health Organization. (2020). *Coronavirus disease 2019 (COVID-19) situation report-34*. Geneva, Switzerland: World Health Organization. https://www.who.int/docs/default-source/coronaviruses/situation-reports/20200223-sitrep-34-covid-19.pdf?sfvrsn=44ff8fd3_2pdf icon.

<http://fa.wikipedia.org>.